قیام ۱۵ خرداد در آینه اسناد

خرداد را همچون ماههای دیگر به تقویم درآورده‌اند و ایام و لحظات خطیر و تاریخ ساز آن، همچون دیگر ایام و لحظات، صفحه یا سطری از یك دفتر را به خود اختصاص داده‌اند اما گویا تاریخ در این سطر و صفحه عریض می شود، وسعت می یابد، عمیق و ژرف می شود و اوج می گیرد.

خرداد شهر امام است، شهر فیضیه و حوزه است، شهر امام و فقاهت است، شهر خون و قیام، شهر گلوله و سینه‌های لبریز از ایمان و خشم و صلابت است. شهر فریاد و خروش و مردانگی است. خرداد شهر شهیدان است، شهر طلایه‌داران انقلاب اسلامی است، شهر مقلدین عاشق و شهر مؤمنان به جان آمده از خشم و ستم جائران است.

خرداد، شهر شهادت است، شهر نماز، شهر وضوی خون، شهر قیام، شهر الله اکبر، شهر عبادت و بندگی مخلصانه است.

خرداد، شهر امر به معروف و نهی از منکر است، شهر نهیب امام بر دشمنان است، شهر منبر و فیضیه و شهر بیداری و حرکت است.

خرداد، شهر خاطرات خونین و مخاطرات فراموش نشدنی است. شهر اختران روشنی است که آسمان یك شب طولانی را به آتش کشیدند و اوراق یك دفتر سیاه شده از ظلم را به یکباره سوختند.

خرداد، شهر ماههای تابان و چراغهای فروزان است، شهر شهاب های سوزنده و ستاره‌های شکوفاست. خرداد، شهر راههای روشن و نشانه‌های آشکار است.

و خرداد، شهر خورشید پرنور و عطوفتی است که به این همه روشنی می بخشد.

ساعت شش بعد از ظهر روز سیزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، امام خمینی(ره) در مدرسه فیضیه، سخنرانی تاریخی و تکان دهنده‌ای را آغاز نمود و ۲۶ سال بعد در همین روز و در همین بعد از ظهر رسالت الهی خویش را به پایان برد. اگرچه این آغاز و این پایان بر روشنی برای ما مشهود و آشکار است اما هنوز فصل ها و بخشهای ناگفتهٔ بسیار در خلال آن نهفته است،

حوادث پانزده خرداد همیشه به اجمال بازگو شده‌اند و چه بسا مورخین خود فروخته یا گمراهی که این حوادث را کور و بی جهت قلمداد کرده‌اند، حال آنکه قهرمانان این روزها خوب می دانستند که با چه داعیه‌ای بیرون آمده‌اند. چنانچه تا سالها بعد، از این داعیه باز نگشتند و منصرف نشدند. تا آنکه بالاخره خون های بناحق ریخته در ۱۵ خرداد را با انقلاب الهی خویش جبران نمودند و بذر قیام خونین پانزده خرداد را در طراوت و باروری درخت انقلاب اسلامی به بار نشاندند.

پانزده خرداد اگر چه سطری از دفتر تاریخ است، اما خود کتابی ناگشوده است. چنانچه تاکنون جز کلیات و سرفصل ها از آن خوانده نشده و چه بسا که هنوز نوشته هم نشده است.

انعکاس وقایع نیمه‌خرداد ۴۲ در اسناد ساواك، جلوه‌هایی مکتوم از این ایام است که بخشهایی از آنرا برگزیده‌ایم. این گزیده بخش کوچکی از محتویات اسناد بررسی شده را با خود دارد و اسناد بررسی شده، بخش کوچکی از همهٔ مجموعه است. به این ترتیب چند نمونه را از صدها برگ سند برگزیده‌ایم که خود نمونه‌ای از دهها هزار برگ سند و تحلیل است. باشد که این اوراق، راهی به عمق کهکشان عظیم خرداد باشد.

تاریخ: ۴۲/۳/۱۳ - ۱۷:۵۵

آقای خمینی در حالیکه ۱۵۰۰ نفر او را بدرقه می کردند وارد مدرسه فیضیه شد. تاکنون سخنرانی شروع نشده از بلندگو مرتباً اعلام می شود در صورتیکه اشخاص صلوات بی موقع فرستادند، آنها را با احترام خارج کنید.

تاریخ: ۱۵ خرداد ۴۲

صبح امروز بر اثر انتشار خبر بازداشت آقای خمینی تمام مردم کاشان دست به اعتصاب زدند. جمعیت که بالغ بر چندین هزار نفر بودند، با بیل و چوب مسلح بودند و با دادن شعار یا مرگ یا خمینی به شهربانی حمله نمودند. در این موقع قوای انتظامی شروع به تیراندازی نمودند که بالغ بر ۱۰ نفر به سختی مجروح شدند. تعداد کشته‌شدگان تا این ساعت در دست نیست.

۹:۴۵ - حدود ۵۰۰ نفر از میدان شاه به طرف میدان مولوی در حرکت بودند و شعار «یا مرگ یا خمینی» سر می دادند. در خیابان ۵۰ نفر دکانهای خود را بسته به طرف چهارراه عباسی در حرکتند.

۱۰:۱۰ - وضع بازار خیلی آشفته است. تمام قسمت بوذرجمهری، سبزه‌میدان، خیابان سیروس و خیابان خراسان بسته شده. مردم تظاهرات موضعی تشکیل دادند، شیشه‌های چند اتومبیل سواری بنز را شکستند. شعارهای آنان: یا مرگ یا خمینی

(بدون ساعت) - سه‌راه سیروس تا میدان مولوی بین مأمورین زد و خورد شروع شده. تعداد جمعیت بیش از مأمورین است. پلیس قادر به حفظ انتظامات نیست.

۱۰:۱۵ - جمعیت فوق العاده زیاد شده از سه‌راه سیروس تا جلوی وزارت کشور مردم اجتماع دارند. درحدود ۱۰۰ پلیس زخمی شده و چند ماشین پلیس را شکستند، تعداد پلیس خیلی کم است و قادر به حفظ نظم منطقه نیست.

۱۰:۳۰ - حدود ۶۰۰ نفر از طبقه جوان و محصل و از جمله بازاری و چند نفر معمم، جلوی بانك بازرگانی نزدیك بازار با قرار دادن چرخ های دستی میوه‌فروشان، مشغول سنگربندی هستند و مأمورین پلیس در آنجا دیده نمی شود. در این سنگربندی آجر و

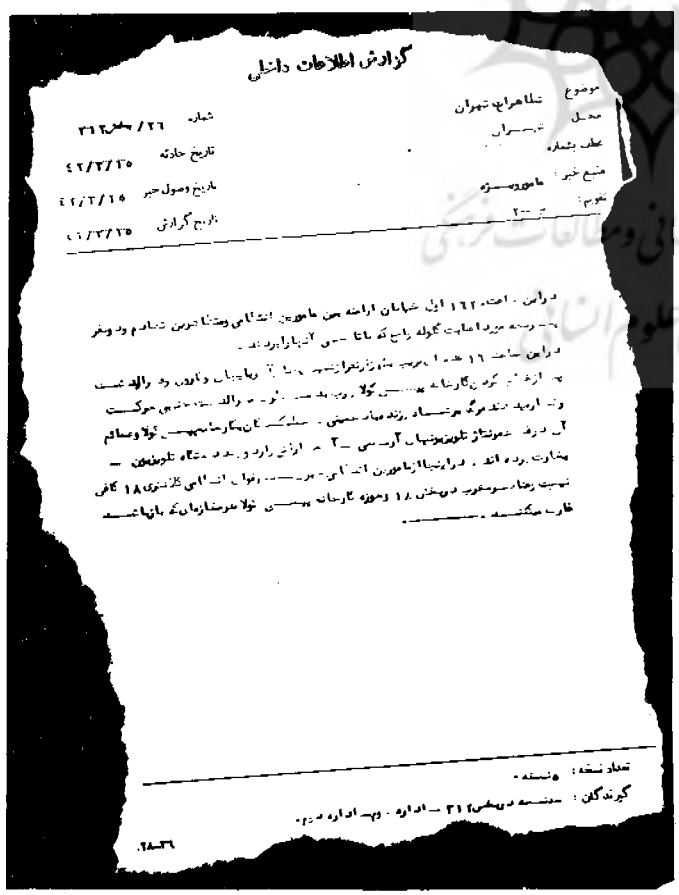
گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: تظاهرات تهران
محل: تهران
علت بشماره:
منبع خبر: مأمور ویژه
نوع: [illegible]

شماره: ۲۶/ بخش ۳۶۲
تاریخ حادثه: ۴۲/۳/۱۵
تاریخ وصول خبر: ۴۲/۳/۱۶
تاریخ گزارش: ۴۲/۳/۲۵

در این ساعت ۱۶ عده [illegible]

تعداد نسخه: [illegible] نسخه
گیرندگان: [illegible]

سنگ همراه دارند.

در بازار وضع کاملاً غیرعادی است. جمعیت زیادی در برابر پلیس مقاومت می کنند و به جنگ و گریز پرداخته‌اند.

۱۰:۴۵ ـ طبق اطلاع در جلوی بازار در اثر تیراندازی چند نفر کشته شده وشدت ازدحام و جمعیت به اندازه‌ای است که تمام خیابان بوذرجمهری و سرچشمه مسدود شده است.

۱۱:۰۰ ـ عدهٔ زیادی که اجتماع دارند (درجلوی ناصرخسرو و بازار) مردم را تحریك می نمایند که به طرف ایستگاه رادیو رفته و آن جا را اشغال نمایند. جلوی بازار از . . . . ریخته‌اند که ماشین نتواند عبور نماید.

ماشین بنز شرکت واحد در جلوی شمس العماره آتش زده شد.

۱۱:۰۵ ـ تیراندازی در بازار مجدداً شروع شد. بازار تماماً بسته است. محرکین مردم را به علت بازداشت آیت الله خمینی، تشویق به شورش می نمایند.

۱۱:۱۰ ـ سمت شمال دادگستری یك نفر پیراهنی را با خون آغشته کرده، چند نفر را اطراف خود جمع کرده است. جمعیت تدریجاً در حال افزایش است و پرچم سیاه دارند. درجلوی بازار تیراندازی ادامه دارد.

۱۱:۱۵ ـ متظاهرین به جلوی ادارهٔ روزنامه اطلاعات ریخته، پنجره و شیشه‌های اداره را شکستند و مشغول زد وخورد هستند.

۱۱:۳۰ ـ منطقه بازار تقریباً به صحنهٔ جنگ تبدیل شده. شایع است در حدود ۶ـ۵ نفر کشته شده‌اند. تلفن ها به کلی قطع است. شایع است می خواهند به اداره رادیو حمله کنند. از دروازه دولت به پایین، مسیر اتوبوس ها بسته است.

در میدان شوش، خیابان خراسان و خیابان مولوی، جمعیت با چوب و چماق حمله می کنند.

خیابان غیاثی، بی سیم نجف آباد و انتهای شهباز تعطیل عمومی اعلام شده است.

۱۱:۳۰ ـ سرچهارراه گلوبندك جمعیتی جمع شده و شعار یا مرگ یا خمینی می دهند. دو پلیس به وسیلهٔ سنگ مجروح و با آمبولانس به بیمارستان اعزام شدند. شیشه ۵ دستگاه ماشین های پلیس را در مقابل بازار شکسته‌اند.

شیشه‌های انتشارات رادیو که شکسته شده بود، به وسیلهٔ سنگ پرانی از خارج بوده است.

۱۱:۴۰ ـ از تجریش اطلاع می دهند در حدود سیصد نفر جلوی کلانتری تجریش تجمع نموده، قصد دارند به کلانتری حمله نمایند. عده‌ای هم به طرف خیابان خلیلی درحرکت هستند.

در اثر تیراندازی پلیس، اجتماع کنندگان از اطراف کلانتری متفرق و در نقاط مختلف به حال انتظار ایستاده‌اند.

(ساعت ندارد) ـ در حدود سه هزار نفر که از دزآشیب به تجریش آمده بودند، به کلانتری حمله کرده و عده‌ای پاسبان و شخصی مجروح شده‌اند. شایع است که دو نفر به قتل رسیده‌اند. در نتیجه بازار تجریش تعطیل گردید.

عده‌ای از خیابان خلیلی به طرف ساواك شمیران حرکت کردند ولی از حمله به ساواك منصرف گردیدند.

۱۱:۴۵ ـ یك ماشین پلیس و یك موتورسیکلت آتش زده شد. تیرآهن جلوی اتومبیل ها می اندازند. پلیس گاز اشك آور استعمال کرد و باز متفرق نشدند. شیشه‌های یك اتوبوس دوطبقه خرد شد. اوضاع وخیم است. مغازه‌ها بسته است. پلیس قادر به حفظ انتظامات نیست.

دو دستگاه ماشین آتش نشانی را جلوی سبزمیدان آتش زده‌اند. گاهی مردم به طرف سربازان و مأمورین انتظامی حمله کرده و آنها را به عقب می رانند. بعضاً مأمورین پیشروی می کنند ولی وضع کاملاً به نفع تظاهرکنندگان است.

بطوری که شنیده شده جلوی بازار آهنگرها بر اثر حمله مردم چند افسر و پاسبان کشته شده‌اند و مأمورین انتظامی در محل دیده نمی شوند. کلانتری ها در جلوی بازار مجهز به مسلسل شده و برای عملیات آماده گردیده‌اند.

در بازار چند نعش روی دست مردم و مشغول تظاهرات شدید هستند و وسط خیابان ها

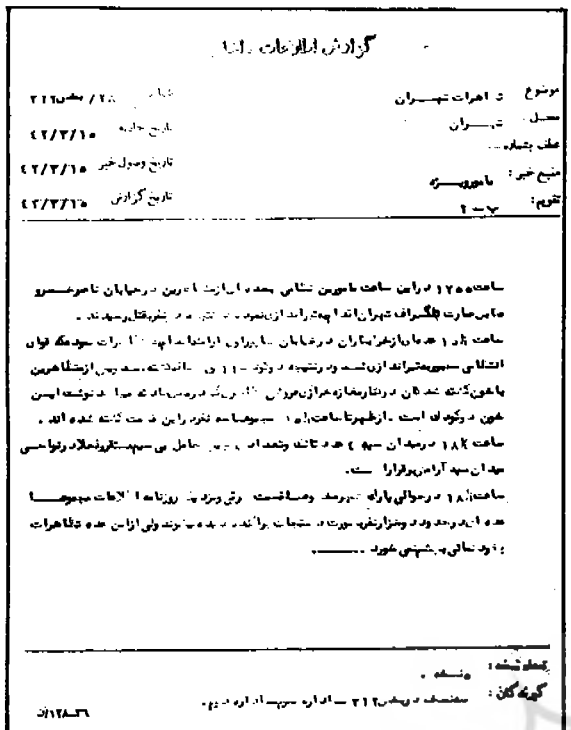

گزارش اطلاعات ـ انتظامی

موضوع: تظاهرات تهران
محل: تهران
علت پیشامد:
منبع خبر: ناصرخسرو
تقوم: چت ۲
تاریخ حادثه: ۴۲/۳/۱۰
تاریخ وصول خبر: ۴۲/۳/۱۵
تاریخ گزارش: ۴۲/۳/۱۵

ساعت ۱۲:۵۵ در این ساعت ناصرخسرو نشانی بعده ... در خیابان ناصرخسرو ... تهران آتش ... پخش ... ساعت ۱۰ ... در خیابان ... ساعت ۱۸ در میدان سپه ... ساعت ۱۸ در حوالی پارك ... روزنامه اطلاعات ... در حدود ... ولی از این عده ... خورد.

تهیه کننده: ...
گیرنده گان: ... ـ اداره ...

۱۱:۵۵ ـ سرتاسر لاله‌زار پایین کلیهٔ درب و پنجره‌های سینماها خرد شده‌اند.

در چهارراه اسلامبول زد وخورد شدیدی بین قوای انتظامی و متظاهرین درگرفت و متظاهرین فرار کردند. پلیس نسبت به مردم عادی شدت عمل زیادی به خرج می دهد.

۱۲:۰۰ ـ جمعیت متظاهرین در میدان تجریش، قریب ۲۰۰۰ نفر است. تیراندازی از طرف پلیس شروع شد.

۱۲:۰۵ ـ میدان بهارستان به کلی بسته شد. پلیس نیز به مردم دستور می دهد در خیابانها کسی توقف نکند و به خانه‌های خود بروند.

۱۲:۳۰ ـ در خیابان شاهرضا تظاهرات زیاد است. قصد دارند به طرف سفارت آمریکا بروند. چند کامیون ژاندارم برای جلوگیری از آنها رسید ولی هنوز زد وخورد نشده است.

۱۲:۳۵ ـ جلوی بیمارستان سینا یك کامیون ارتش آتش زده شده است. ضمناً در حدود ۹۰۰ نفر در ضلع شمال شرقی پارك شهر مشغول شعار دادن هستند. . .

در تویخانه عده‌ای به تظاهرات پرداخته و با سربازها درگیر شده‌اند.

ضمناً در حدود ۵۰۰ نفر از قوام سلطنه و یوسف آباد به طرف اسلامبول در حرکت هستند.

عده‌ای از متظاهرین به کلانتری ۱۶ حمله کردند و می گفتند پیشوای دین ما را گرفته‌اند. بیاید با ما همکاری کنید ولی از کلانتری به آنها تیراندازی گردید.

(ساعت ندارد) ـ از شهربانی سروان «جوادی»، سرپاسبان «بیطرفان»، از واحد سرباز ستوان «احمدعریضی»، ستوان سوم «لسان الله نعمتی»، سربازان وظیفه «عزیز سرافراز»، «عزیز نوکار»، «هوشنگ پادست»، «حسن چاوشی» و «ابراهیم شریفی» مجروح شده‌اند و یك جیپ نظامی آتش زده شد. خسارت کم است، حال مجروحین خطرناك نیست.

غیرنظامی ۶ نفر مقتول، ۲۴ نفر مجروح شده‌اند، فعلاً تیراندازی قطع و محاصرهٔ کلانتری ۳ شکسته شده است. پسر (امام) خمینی در صحن برای جمعیت صحبت وتقاضا کرد که متفرق شوند و ساعت ۱۷:۵۰ دومرتبه جمع شوند و اگر مأمورین نگذارند،

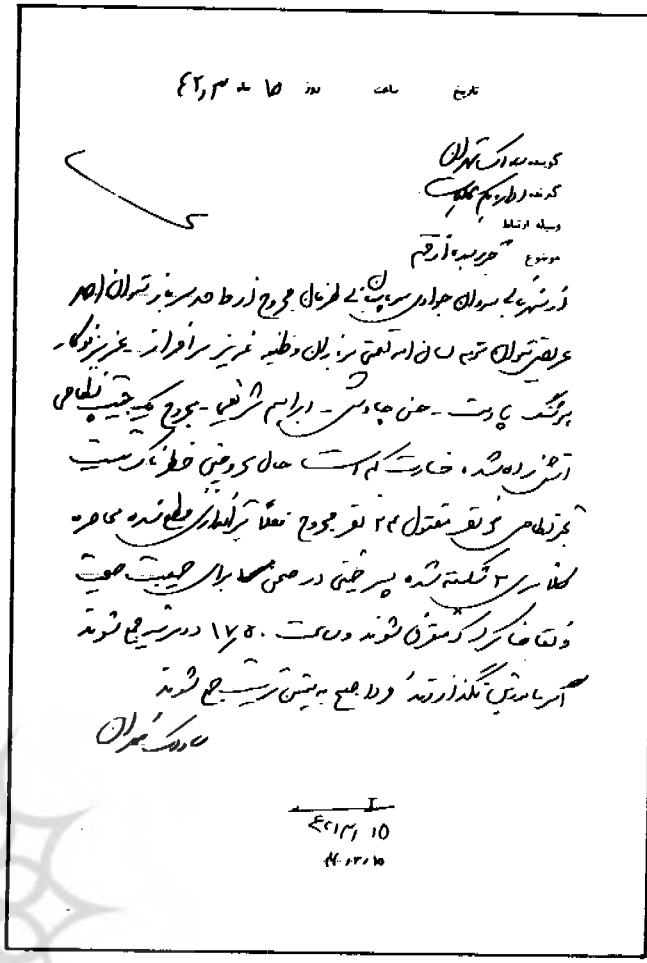

تاریخ ساعت روز ۱۵ ماه ۳ سال ۴۲

گیرنده: رادیو تلویزیون ملی ایران

وسیله ارتباط

موضوع: گزارش

در شهرهای سردان جوادی سرپاس ۱۵ فروردین مجموع از ساعت ۸ در سنگر تهران اعلام عرض تهران تجمع ... زبان وظیفه عزیز سرافراز عزیز بزرگ ... پرچم پادشاه ... حق چادر ... ابراهیم شریعتی ... مجموع ... آتش زده شد، خسارت کم است حال کوچکی خطر ... تعداد ... نفر مقتول ۲۴ نفر مجموع تقریباً ... کشته شده ... در صحن ... برای جمعیت ... وقت ... کرفتن شوند ساعت ۱۷:۵۰ در ... شوند آسیب ... نگذارند و ... بیشتر ... شوند

سازمان تهران

۱۵ / ۳ / ۴۲

۱۶ / ۳ / ۴۲

بروند وشعار می دهند خمینی پیروز است.

ماشین های ژاندارم هنوز نگذاشته‌اند که متظاهرین به طرف سفارت آمریکا بروند.

(ساعت ندارد) ـ وضع عمومی ـ از گلوبندك تا مسجد شاه ومقداری از ناصرخسرو دست پلیس است. بازار و سبزه میدان خلوت است. جمعیت در جلوی شمس العماره است. چند ماشین در جلوی شمس العماره آتش گرفته است.

۱۲:۵۰ ـ در توپخانه؛ سربازها سنگر بستند. جلوی روزنامه اطلاعات، اول خیابان نیز سنگر بستند. درب روزنامه اطلاعات، آتش زده شد. یك جیپ ارتش درجلوی روزنامه اطلاعات واژگون شده است.

در شهرری تظاهرات شدیدی بوجود آمده. اتوبوس های شرکت واحد از شهرری حرکت نمی کنند ومردم را به شهر نمی آورند.

۱۵:۲۰ ـ در انتهای خیابان سعدی ولاله‌زار، جمعیتی اجتماع نموده وپلیس وسربازان به آنها حمله نموده، لذا به کوچه‌های اتابك، بهار، وانتهای لاله‌زار جنوبی پناهنده شده و اجتماع کرده‌اند. قصد دارند چنانچه بتوانند به مرکز پلیس تهران در میدان توپخانه حمله کنند.

(ساعت ندارد) ـ در خیابان سعدی جنوبی حدود ۲۰۰۰ نفر جمع شده‌اند وشعار «خمینی پیروز است» می دهند ومأمورین انتظامی فقط در محوطه توپخانه می باشند.

مأمورین انتظامی از خیابان سپه به پایین، راههایی را که به بازار ختم می شود، مسدود نموده از تردد افراد جلوگیری می نمایند. ضمناً تمام مغازه‌های خیابان های فردوسی، سعدی، اسلامبول ونادری تعطیل است.

در اطراف میدان های سنگلج، اعدام وتوپخانه تیراندازی ادامه دارد وصدای تیر مرتباً به گوش می رسد.

۱۵:۳۰ ـ عده‌ای از خرابکاران در خیابان شاپور، اول ارامنه اقدام به تظاهرات نمودند وقوای انتظامی مجبور به تیراندازی شد که در نتیجه دو کودك ۹ و ۱۸ ساله کشته شدند. یکی از متظاهرین با خون کشته‌شدگان در کنار مغازه خرازی فروشی طاهری ـ که در محل حادثه می باشد ـ نوشت: این خونِ دو کودك است.

۱۶:۲۰ ـ اول خیابان ارامنه، بین مأموران انتظامی ومتظاهرین تصادم ودو پسربچه مورد اصابت گلوله واقع شدند که آنها را با تاکسی بردند.

عده‌ای قریب به هزار نفر از کسبهٔ خیابان آذربایجان، کارون وقصرالدشت، پس از فردا صبح به همین ترتیب جمع شوند.

۱۲:۴۵ ـ قریب به ۱۰ هزار نفر در خیابان شاهرضا به طرف تخت جمشید می خواهند

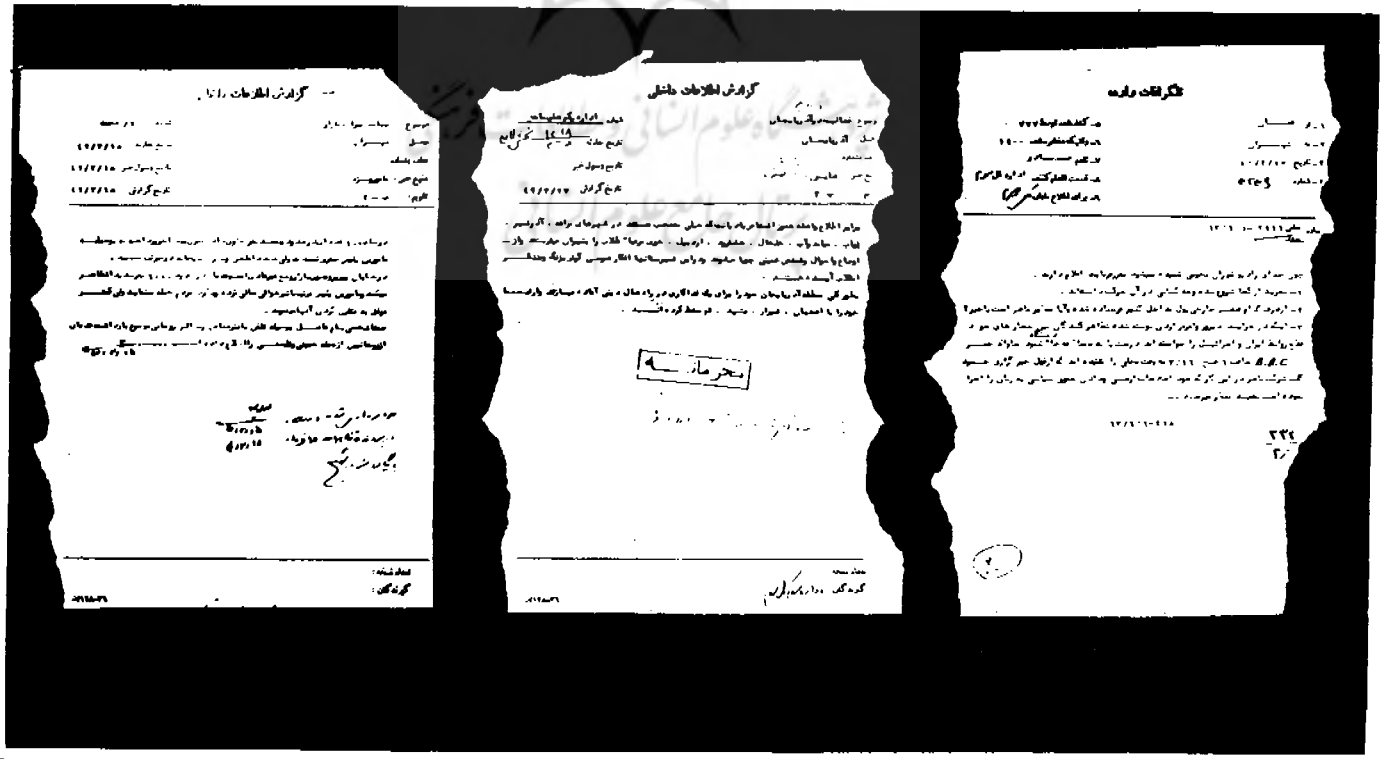

گزارش اطلاعات راکا

گزارش اطلاعات داخلی

تلگرافات وارده

خراب کردن کارخانه پپسی کولا چوب به دست به طرف قصرالدشت جنوبی حرکت و شعار می دهند مرگ بر شاه و زنده باد خمینی.

۲۰ : ۱۷ ـ یك دسته از نظامیان در حدود قنات آباد تا میدان خیام اقدام به تفرقه جمعیتی که در این حدود آمادهٔ تظاهرات و خرابکاری بودند نمودند، در نتیجه تیراندازی یك بچه ۴ ساله و یك بچه ۸ ساله کشته شده و مردم برای اطلاع از وضع کشته‌شدگان هر لحظه از منازل خارج می شوند ولی سربازان بشدت دفاع وحمله می کنند.

تأسیسات پپسی کولا، تأسیسات تعمیرگاه ثابت پاسال و کلیه مؤسساتی که مربوط به ثابت پاسال بوده و در غرب تهران واقع است، نابود شده و از بین برده‌اند. ضمناً بطوری که از روزنامه اطلاعات کسب خبر شد، هم اکنون حکومت نظامی اعلام گردید.

در داخل دانشگاه، تظاهرات ادامه دارد. شعار پارچه با خون تهیه کرده‌اند:

دیکتاتور خون می ریزد ـ مرگ بر دیکتاتور خون آشام

در سرپل چوبی یك ارابهٔ جنگی با فولکس واگنی تصادف کرد و فولکس را به پیاده‌رو پرت نمود.

۴۰ : ۱۷ ـ در سه‌راه ژاله یك نفر که در حال عبور بود، هدف گلوله قرار گرفت. گلوله به مغزش اصابت کرد و فوراً در سرکوچهٔ میرافضلی مُرد.

تیر دیگری کمانه کرد و به پای یك دختر بچه ۹ ساله در صحن حیاط خانه اصابت کرد، پایش مجروح شد و به بیمارستان بردند.

۵۰ : ۱۷ ـ قم ـ طبق اطلاع، جمع مقتولین تاکنون حدود ۲۲ نفر، مجروح ۳۶ نفر می باشد. تا این ساعت آرامش برقرار است.

۵۵ : ۱۷ ـ مأموران نظامی به عده‌ای از متظاهرین در خیابان ناصرخسرو مقابل عمارت تلگراف تهران، اقدام به تیراندازی نموده که در نتیجه دو نفر نیز به قتل رسیدند.

۱۵ : ۱۸ ـ در میدان سپه ۴ تانك و تعدادی جیپ حامل بی سیم مستقرند و فعلاً در نواحی میدان سپه آرامش برقرار است.

(ساعت ندارد) ـ در خیابان های جنوب شهر تعدادی بچه که سن آنها از ۱۵ سال تجاوز نمی کند، جلوی ماشین های دولتی را گرفته و با سنگ به این ماشین ها حمله می کنند و به رانندگان تاکسی و سواری تذکر می دهند که چراغ های خود را روشن نمایند. در چند نقطه بر اثر تصادم ماشین مأموران انتظامی با این اطفال و پشتیبانی مردم از اطفال، زد و خوردهایی درگرفته و تعدادی حین تیراندازی زخمی شده‌اند ولی تعداد تیرخوردگان و تلفات احتمالی نامعلوم است.

تاریخ: ۴۲/۳/۱۶

آقای زمانی آمار پایین را از شخصی که خواسته بودی، داده است:

شفا ـ ۱۹

رازی ـ ۲۵

بیمارستان سینا ـ ۱۰۰ عدد شاید کمی بیشتر

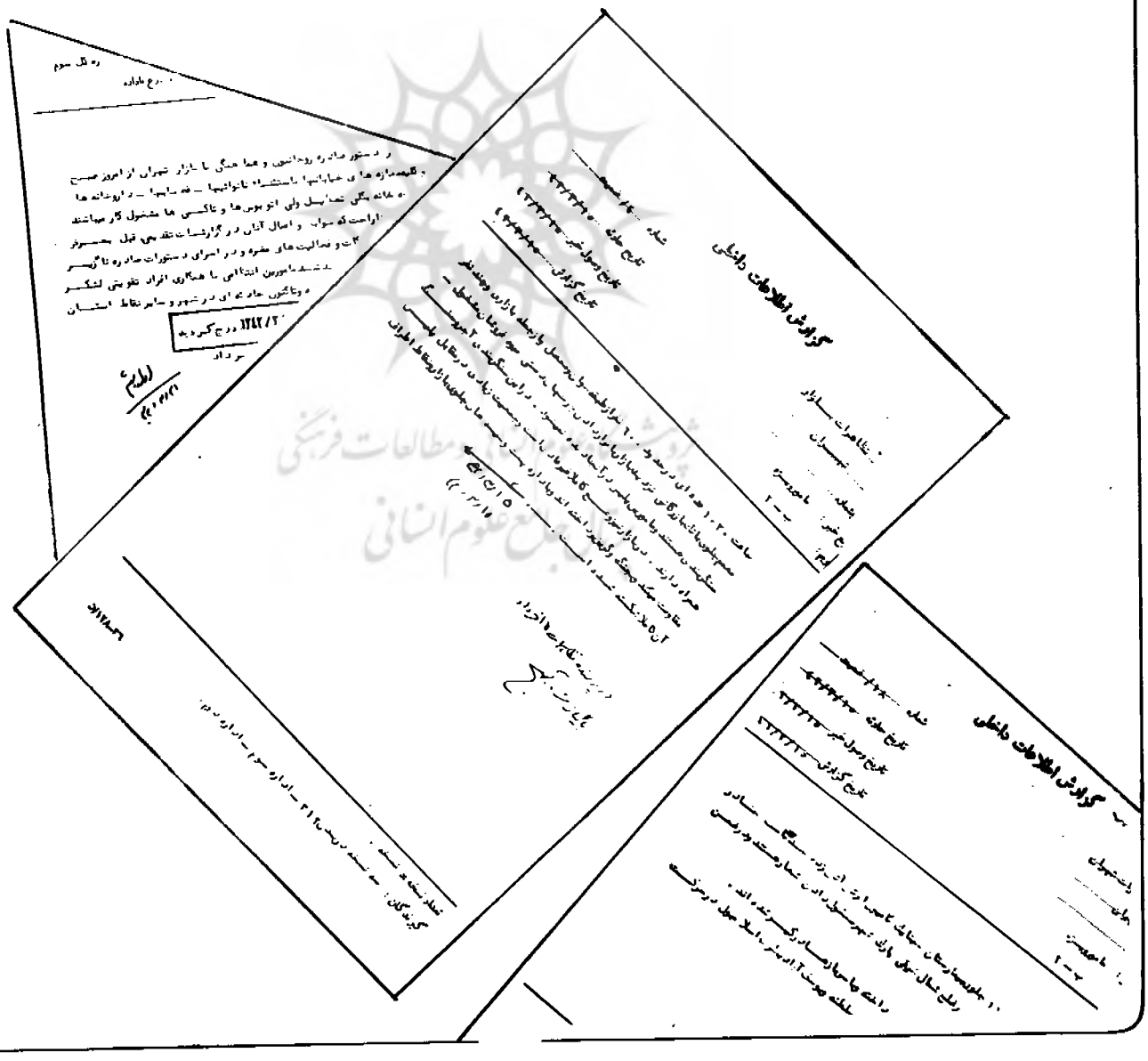

بازرگان ـ ۱۸
پهلوی ـ ۱
شیروخورشید امدادی ـ نامعلوم ولی عده‌اش زیاد است
خصوصی ـ نامعلوم.

تاریخ: ۴۲/۳/۱۶

اطلاع رسیده حاکی است عده‌ای از آشوب گران قصد دارند اجساد کشته‌شدگان حوادث امروز را ساعت ۵ بعد از ظهر به بازار آورده و پس از گردش دادن در بازار و خیابان ها برای دفن به محل دیگری ببرند.

از: سمنان

به: تهران

تاریخ: ۴۲/۳/۱۷

طبق اطلاع، مالکین و مخالفین، روز گذشته در دهات وقراء اطراف ورامین و پیشوا فعالیت نموده‌اند. مردمی را که در تکایا و مجالس سوگواری مشغول عزاداری بوده‌اند، تحریک و به عنوان ابراز همدردی از آقای خمینی و آشوبگران به تهران اعزام دارند.

خبر واصله حاکی است که به همین نحو هم اقدام نموده و تعدادی از کشاورزان و اشخاص ماجراجو و فرصت طلب را حرکت داده که حوالی میدان خراسان مواجه با مأمورین انتظامی شده و تعداد زیادی از آنها به قتل رسیده‌اند.

تاریخ: ۴۲/۳/۱۸ ـ ۱۱:۰۰

اصفهان ـ بازار و قسمتی از مغازه‌های خیابان های چهارباغ، سپه و شاه تعطیل شده و تا این ساعت هیچ تظاهری به وقوع نپیوسته است.

تاریخ: ۴۲/۳/۲۱

عناصر با سابقه توده‌ای از بازداشت ملاها و جریان اخیر بسیار خوشحال هستند و می گویند سبب بدبختی و آوارگی توده‌ای ها، همین آخوندها بودند که حالا خوب از آنها انتقام گرفته می شود.

از: اصفهان

تاریخ: ۴۲/۳/۲۱

ساواك، ساعت ۹ صبح

۱ـ با تمام تلاش هایی که شده تا این ساعت بازار اصفهان و نجف آباد باز نشده ولی آمادهٔ باز شدن است. چند نفر هم باز کرده‌اند.

۲ـ آرامش کاملاً برقرار است.

از: تبریز

به: تهران

تاریخ: ۴۲/۳/۲۱

به تبعیت از دستور صادرهٔ روحانیون و هماهنگی با بازار تهران، از امروز صبح بازار و کلیه مغازه‌ها به استثنای نانوایی ها، قصابی ها، داروخانه‌ها و چند قهوه‌خانه بکلی تعطیل است. اتوبوس ها و تاکسی ها مشغول کار می باشند. سه نفر از وعاظ ناراحت که سوابق و اعمال آنان در گزارشات تقدیمی قبل به عرض رسیده در اثر تحریکات و فعالیت های مضره و در اجرای دستورات صادره، ناگزیر دستگیر و به مرکز اعزام خواهند شد. مأمورین انتظامی با همکاری افراد تقویتی لشکر، در نقاط حساس شهر مستقر بوده و تاکنون حادثه‌ای در شهر وسایر نقاط استان، روی نداده است.

به مناسبت سالروز شهادت محمدبخارائی و یاران قهرمان او

بقیه از صفحه ۳۳

۴ـ به جوانان مسلمان درعینیت نشان دهند که برای دست زدن به خیزش قهرآمیز باورمندی به «مارکسیسم» و یا پذیرش آن به عنوان «علم مبارزه» ضرورت عینی ندارد.

۵ـ با پدید آوردن امید و نوید در دل عناصر سرخورده و افسرده‌ای که بر این باور بودند که راه هرگونه مبارزه با رژیم شاه به بن بست رسیده است، آنان را از کشیده‌شدن به سراشیبی سازش، تسلیم و بی تفاوتی بازدارند.*

۶ـ ناقوس شکست دکترین کندی در ایران را به صدا درآورند.

۷ـ به خوش خیالی و غرور رژیم شاه در بارهٔ ایران که آنرا «جزیرهٔ ثبات»! برای جهانخواران می پنداشت پایان دهند.

۸ـ قلبهای جراحت بار امت قهرمان پرور ایران را که در سوك شهدای خود و تبعید امام، ماتم زده بودند، آرامش ببخشند.

در پی خیزش قهرآمیز گروه محمدبخارائی و اعدام انقلابی حسنعلی منصور اندیشه مبارزهٔ مسلحانه در میان مردم مسلمان ایران بیشتر جا باز کرد، محمد بخارائی به عنوان قهرمان بی همتا و فداکار مورد احترام نسل جوان مسلمان قرار گرفت. جوانان ایرانی در حوزه، دانشگاه، کارگاه، بازار و درهر کوی و برزن از او سخن می گفتند و شهامت، جسارت و از خودگذشتگی او را می ستودند.

سخنان انقلابی، کوبنده و روح بخش بخارائی و دیگر یاران او در بازجوئی و در دادگاه نظامی دهن به دهن می گشت و موج می آفرید و ملت ایران را بیشتر شیفته و فریفته او می ساخت، معنویت و عبادت در کنار شهامت و از خودگذشتگی او به جوانان درسهائی می آموخت. مردم می شنیدند که محمد در زندان «دایم الوضو» است و به سحرخیزی و «تهجد» اهمیت می دهد و به امام عشق می ورزد و برای شهادت و پیوستن به کاروان شهدای اسلام لحظه‌شماری می کند و با خدای خود راز و نیازی دارد. این گزارشها در توده‌ها دگرگونی درونی پدید می آورد و آنان را به سرچشمه رستگاری و کامیابی راهنمائی می کرد.

آنگاه که این خبر به بیرون دادگاه رسید که بخارائی و یاران او به محض شنیدن حکم اعدام خود از سوی دادگاه فرمایشی شاه، سر بر خاك سائیدند و سجده شکر به جا آوردند و آنانکه به اعدام محکوم نشده بودند سخت ناراحت و اندوهگین بودند و چشمانی اشکبار داشتند، موجی از غرور، بالندگی و شیفتگی همراه با ستایش نسبت به آنان در میان ملت ایران پدید آمد. و درس زندگی و اسلام خواهی و مبارزه به توده‌ها داد. از این رو، بسیاری از جوانان مسلمان و دلسوز بر آن شدند که راه بخارائی را دنبال کنند و با دست بردن به اسلحه، لرزه بر پایه‌های کاخ پادشاهی افکنند و زمینهٔ اوج و گستردگی مبارزه مسلحانه و واژگونی رژیم شاهی را در ایران فراهم سازند.

رژیم شاه معدوم برای ایجاد رعب و وحشت در میان ملت ایران محمد بخارائی را همراه با یاران دلاور و با ایمان او به نامهای رضا هرندی، مرتضی نیك نژاد و صادق امانی در سپیده دم روز ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ به جوخه آتش سپرد و بی رحمانه به شهادت رسانید، تا از این راه اندیشهٔ خیزش مسلحانه را در نطفه خفه کند لیکن دیری نپائید که با موج مبارزه قهرآمیز روبرو شد. هرچند توانست آنرا به کژ راهه بکشاند.

روح محمد بخارائی و یاران او شاد و نامشان جاودان باد

---

* ـ ملی گراها و سردمداران جبهه ملی با دستاویز کشتار خونین ۱۵ خرداد ۴۲ این گونه وانمود می کردند که چون ابرقدرتهای غرب و شرق پیرامون ایران با یکدیگر به «توافق» رسیده‌اند، بنابر این هرگونه حرکتی در زیر چرخ انقلاب سفید شاه خرد می شود. از این رو، یکباره از صحنه کنار رفته از هرگونه فعالیت سیاسی خودداری می کردند. این روش ملی گراها که می توان گفت تاکتیکی بود برای ضربه زدن به نهضت نوپای اسلامی و گامی بود در یاری و توانمندی رژیم شاه در برابر علما و روحانیان مبارز چه بسا قشری از جوانان وابسته به ملی گراها و روشنفکرمآبها را به نومیدی و تسلیم در برابر زورمداران و جهانخواران می کشاند.